

یادمان‌هایی از استارباد در دوران پادشاهی محمدشاه قاجار ژول لوران و فاطمه سردار



یعقوب رشتجیان*



FATHIMÉ-SERDAR.
Portrait aquarelle, exécuté à Ambrabul (Pense), le 10 juin 1848.

پرتره فاطمه سردار اثر ژول لوران

* کارشناس

ارشد معماری

و شهرسازی-

نویسنده کتاب

شهرشناسی استارباد

۱ - ستوده، منوچهر (۱۳۶۶).
استرآباد، در کتاب شهرهای ایران،
به کوشش محمدیوسف کیانی، ج ۲،
تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد
اسلامی و جهاد دانشگاهی. ص.
۲۲۴ و هم چنین: معطوفی، اسداله
(۱۳۷۴). استرآباد و گسرگان در
بستر تاریخ ایران، مشهد: انتشارات
درخشش. ص. ۲۹۴

۲ - معطوفی، همان جا

۳ - فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). سفرنامه
اوژن فلاندن به ایران، برگردان
حسین نورصادفی، چاپ سوم،
تهران: انتشارات اشرافی. ص. ۴۳۰

ژول لوران

آغازگر این گزاره‌ی نادرست که تعدادی از نگاره‌های ژول لوران از استارباد را به فلاندن نسبت دادن اند، برایم ناشناخته است، اما به هر حال در تعدادی از منابع تاریخ محلی استارباد سه نگاره که شامل نگاره‌های برج-آرامگاه امامزاده نور، مسجد جامع و عمارت سردر عالی قاپوی استارباد است، از کارهای فلاندن شمرده شده است.^۱ در کتاب معطوفی نادرستی دیگری هم به این گزاره افزوده شده و با این که منار آجری مسجد جامع را به روشنی در نگاره می‌توان دید، او مسجد جامع را مدرسه‌ی عمادیه پنداشته است.^۲

اوژن فلاندن Eugene Flandin، نگارگر فرانسوی به همراه پاسکال کوست Pascal Coste مهندس معمار، در سال‌های ۴۱ - ۵۷/م ۱۸۴۰ - ۱۲۵۶ق به ایران آمد. آن دو سرتاسر نیمه‌ی باختری ایران، از آذربایجان و تبریز تا خلیج فارس و بوشهر، را جست‌وجوگرانه و شهر به شهر پیمودند، اما نتوانستند به مازندران و استارباد سفر کنند.^۳

در سفر زاویه اوامر د ال^۴ Xavier Hommaire de Hell، پژوهشگر و جغرافیدان فرانسوی، به ترکیه و ایران، ژول لوران Jules Laurens نگارگر، همراه او بود. آن دو در واپسین ماه سال ۱۸۴۷م/۱۲۶۴ق در تبریز بودند؛ و در نخستین روزهای سال ۱۸۴۸م/۱۲۶۴ق راهی تهران شدند.^۵ چند روز پس از پیاده شدن در خانه‌ی سفیر فرانسه در تهران، اوامر د ال و لوران به دیدار محمدشاه رفتند. شاه، با دیدن نگاره‌های لوران، از او خواست نگاره‌ای از وی بکشد.^۶ سپس لوران، به فرمان محمدشاه، به اندرون دربار راه یافت تا چهره‌نگاره‌ای از فرح‌خانم، عمه (خاله) شاه، بکشد.^۷ اگرچه هیچ نشانی از چهره-نگاره‌ی عمه (خاله) محمدشاه در دست نیست، اما با این پیشامد بی‌مانند، لوران تنها نگارگری است که نگاره‌هایی از اندرون حرم قاجاری از خود به یادگار گذاشته است.

لوران و اوامر د ال، در روز ۱۷ ماه مه سال ۱۸۴۸م/۲۵ جمادی‌الثانی سال ۱۲۶۴، راهی مازندران شدند. دستامد این سفر برای لوران ۸۰ نگاره بود^۸ که در میان آن‌ها از کاخ آقامحمدخان قاجار در ساری، رود تجن و کاخ شاه عباس در فرح‌آباد ساری، کاخ‌های شاه‌عباس در اشرف و سه نگاره از ساختمان‌های شهر استراباد (مسجدجامع، امامزاده نور و سردر عالی‌قاپوی آغامحمدخان^۹) می‌توان نام برد.

اوامر د ال و لوران سفری هم به اصفهان رفتند؛ سفری که با مرگ نابه‌هنگام اوامر د ال در روز ۲۹ اوت ۱۸۴۸م/۳۰ رمضان ۱۲۶۴ق نافرجام ماند. اوامر د ال در گورستان محله‌ی جلفای اصفهان به خاک سپرده شد. لوران هم بی‌درنگ به تهران بازگشت. بازگشت او با مرگ محمدشاه و به تخت نشستن ناصرالدین شاه همزمان بود.^{۱۰} لوران سرانجام در روز ۸ فوریه سال ۱۸۴۹م/۲۷ ربیع‌الاول سال ۱۲۶۵ق از تهران به راه افتاد^{۱۱} تا به فرانسه برگردد. دستامد پژوهش‌های چندساله‌ی اوامر د ال و لوران کتابی چندجلدی است به نام سفر در ترکیه و ایران^{۱۲} و نیز بیش از هزار نگاره‌ی دستاوردی لوران.^{۱۳} کتاب اوامر د ال پس از بازگشت لوران به فرانسه، به کوشش او و همسر اوامر د ال چاپ شد؛ و صد نگاره از کارهای لوران، به شکل جُنگی جداگانه، همراه آن بود.^{۱۴}

فاطمه سردار

کیت ادوارد ابوت Keith E. Abbott، کنسول انگلیس، چند ماه پیش از مرگ محمدشاه، برای دومین بار، به منطقه‌ی استراباد سفر کرد. سفر او از روز ۱ نوامبر سال ۱۸۴۷م/ روز ۲۲ ذیقعد سال ۱۲۶۳ق تا روز ۱۷ فوریه سال ۱۸۴۸م/ روز ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۲۶۴ق به درازا کشید و او در گزارش سفر خود، از گشت و گذار در دشت ترکمن نیز یاد کرده است. سفر یک‌ماهه‌ی ابوت به روستاهای پیرامون خاوری شهر و دشت ترکمن در ۲۹ دسامبر سال آغاز شد؛ و رویداد به یادماندنی گشت و گذار او در میان ترکمن‌ها روبه‌رو شدن با زن ترکمنی است که

«خودش را فاطمه‌سردار می‌نامید و مثل مردان لباس پوشیده و همان‌گونه مسلح بود و به

۴ - تلفظ فرانسوی نام وی دقیقاً همان است که در این جا ثبت شده، اما در برخی متون فارسی نام وی را به صورت «خاور هومیر دوهل» ثبت کرده‌اند.

۵ - Labande, ۱۹۱۰, p. ۵۳

۶ - Labande, ۱۹۱۰, p. ۵۵

۷ - Labande, ۱۹۱۰, pp. و هم‌چنین: مدرس، مهشید (۲۰۰۷م). نقاشان اروپایی در ایران در دوره قاجار، گلستان هنر، شماره ۹، پاییز ۲۰۰۷.

۸ - Labande, ۱۹۱۰, p. ۵۹

۹ - این نگاره طبق توضیحات زیرنویس موجود، با عبارت «کلاه فرنگی ارگ دولتی» معرفی شده است.

۱۰ - ۶۸ - ۱۰ - Labande, ۱۹۱۰, pp.

۱۱ - Labande, ۱۹۱۰, p. ۷۲

۱۲ - Hommaire de Hell, ۱۸۵۴

۱۳ - <http://www.iranicaonline.org/articles/laurens-jules-joseph-augustin>

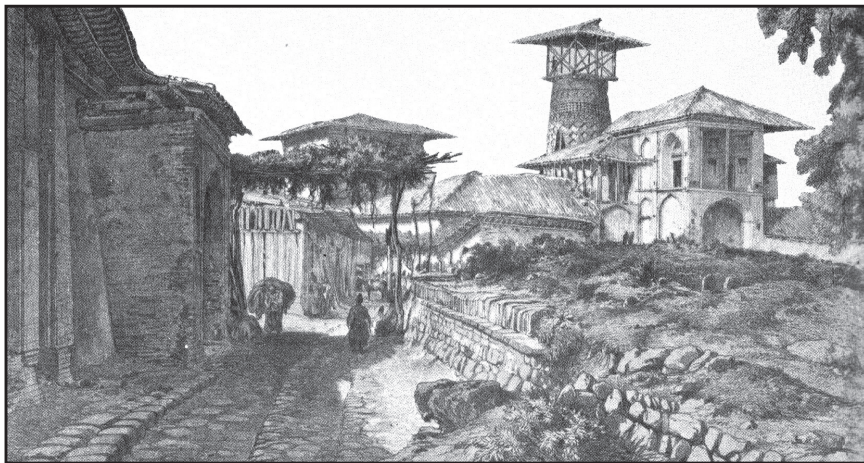
۱۴ - Labande, ۱۹۱۰, p. ۸۱

دلاوری های خود در غارت از گوکلان ها می‌باید و حتی سر جداشده ی دو گوکلان را حفظ کرده بود تا به تهران برده و به‌عنوان هدیه به شاه عرضه کند.^{۱۵} این زن در رشادت و روحیه ی جنگاوری و فرماندهی حمله و غارت مشهور بود و با غرور زیاد از پیروزی های خویش بر علیه گوکلان ها سخن می‌گفت»^{۱۶}

شگفت این که لوران هم، نزدیک به چهار ماه پس از ابوت، در ۱۰ ژوئن سال ۱۸۴۸م/۲۰ رجب سال ۱۲۶۴ق با فاطمه سردار روبه‌رو شده و نگاره‌ای از او کشیده‌است. در کتابی درباره ی زندگی و کارهای لوران، دیدار او با فاطمه سردار چنین آمده‌است:

«در استارباد، هنرمند ما مدلی کمتر دیده را در برابر خود یافت؛ فاطمه سردار، یک آمازون (زن جنگجوی افسانه‌ای)، که هرچندگاه سرهای بریده ترکمن های در جنگ با دولت را برای محمدشاه می‌فرستاد . . . زن (به کمک دیلماج) به لوران گفت؛ من زبان تو را نمی‌دانم، تو هم زبان مرا، پس می‌توانیم هرآنچه دلمان می‌خواهد به همدیگر بگوییم. اما گوش به من بسیار تا بشنوی آن چه درباره ی ترانه‌های جنگ و شکوه‌های دشت و بیابان باید بدانی؛ و آن‌گاه، هم چنان که لوران سرگرم کشیدن پیرنگ نگاره ی او بود، با آوایی بسیار لرزان خواندن آغازید . . .»^{۱۷}

شهرت فاطمه به «سردار» یک نام گذاری دولایه است. لایه‌ای از آن به فرماندهی و سرداری در جنگ‌ها و نبردهای میان تیره‌های ترکمنی یموت و گوکلان برمی‌گردد. در لایه ی دیگر اما، سردار می‌تواند به‌معنای «دارنده ی سر» باشد؛ کسی که همیشه سرهای دشمنان را با خود دارد! داستان فاطمه سردار؛ راست یا دروغ، واقعی یا ساختگی، بازتابی است از آن چه، در سال‌های پادشاهی محمدشاه، در منطقه ی استارباد می‌گذشت.



نمای جنوبی مسجد جامع و معبر بازار نعلبندان اثر ژول لوران

۱۵ - در ترجمه ی رئیس السادات، این متن این گونه ترجمه شده است: «... دو نفر از سراثشان را گرفته و ترتیب انتقال آن‌ها را به تهران برای هدیه به شاه داده است. (رئیس السادات، عبدالحسین. ۱۳۹۶. شهرها و تجارت ایران در دوره قاجار. تهران. امیرکبیر. ص ۱۱۳۳)

۱۶ - ابوت، کیت ادوارد (۱۸۴۸م). گزارش کنسول ابوت ۱۸۴۸ - ۱۸۴۷م، سند محرمانه شماره ۱۳۶ وزارت امور خارجه انگلستان، برگردان احمد سیف، برگرفته از پایگاه تبرستان در نشانی اینترنتی زیر: www.tabarestan.info/ketabxane.html

۱۷ - Labande ۶۰ - ۶۱ - ۱۷ pp, ۱۹۱۰